

در فضیلت وی که فاطمه زهرا صلوات الله علیها و علیها از شکر او بوجود آمد
 فصل در بیان ولادت حضرت سیدة النساء العالمین علیها التحمیه و الثناء
 فاطمه علیها الصلوة والسلام فكانت اعز نبات رسول الله
 و اکبرهن فی القدر و المنزلة و الفضل و الکمال و احب اولاده الیه كانت ولادتها
 قبل البعثة بخمس سنین و قبل سنه البعثة و قيل بعدها بنحو سنین و گفته اند که قول ابو عمر
 اینست که ولادت با سعادت وی علیها التحمیه در سنه احدی و در بعین مولد نبی
 صلی الله علیه و آله است و در روایت ابن سحیح ولادت آنحضرت پیش از نبوت بیکسال
 است مگر ابراهیم که او بعد نبوت پیدا شده و این جوزی گفته ولادت فاطمه پیش از
 نبوت است پنجسال و شهر روایت اینست و او کوچک ترین نبات رسول خدا است
 از روغن و بزرگترین آنها از روغن مرتبه و منزلت و در قولی در سن بزرگ تر از رقیه
 و بقولی از اتم گانم بود و صاحب نیایش از رفته الی عظیمین نقل کرده که چون
 خدیجه کبری به فاطمه زهرا بسقتن شد حیرتیل نمودل کرده انماس نمود که مولود
 این مرتبه را به فاطمه مستی سازد چون هنگام تولد در رسید خدیجه به دروزه متیلا
 کردید شخصی افرستاد و زنانی قبیله را طلبید زمان چون از خدیجه سبب از و اوج
 سر در جهان رنجیده خاطر بودند اجابت نه نمودند ازین راه طال بخاطر خدیجه
 رسید و سبب تنافی اندیشناک گردید درین اثنا چهار زن بروی ظاهر شدند
 خدیجه تبر سیدگی از انا گفت خدیجه سوسن هر اس ابل خود راه مره که من

در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در فضیلت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 در بیان ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است

خواهر تو ساره ام و این مریم بنت عثمانست و این بیوی کلثوم خواهر موسی چهارمی
 آسیه بن فرعون است حقیقاً له مارا نزد تو فرستاده تا در وقت بیعتت تو فایم
 تا نیم یک بر یمن و دیگری بر یسار و ثالثه در مقابل ربعه پس پشت عدیبه نشسته تا نظر
 متولد شد و هنگام تولد وی نوری سامع گشت که خانه هاشمی مکرر روشن ساخت
 در شرق و غرب بروی زمین هیچ خانه نماند که ازین نور متورنگر دید آن حضرت
 بنا بر اشاره جبرئیل آن مولوده مسوده را با فاطمه همراه نموده در صواعق
 محرقه از ماقابلو القاسم دمشق روایت کرده که روزی علی مرتضی صلوات الله
 علی نبیا و علیه از رسول خدا علیه التمجیه و النصار رسید که زهرار فاطمه چنان نام نهادی
 آن حضرت فرمود زیرا که حق تعالی او را از زیت او را از آن شش جنم باز داشته
 و اما میم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام می آید که ولادت آن حضرت
 پنجسال بعد از بعثت رسول خداست و نقل کرده اند که ولادت آنحضرت در ششم
 ماه جمادی الثانی واقع شده و گفته اند که در روز جمعه در سال دوم از بعثت
 و بعضی در سال ششم از بعثت هذا قالوا اما کثرت آن حضرت علی ایما و علیها الصلوٰة
 و السلام ام الحسن و ام محمد و القاب شریفین بسیار و آنچه مشهور است اینست سید
 الفسار و الزهراء و المبارکة و الطاهرة و الزاکية و الراضية و المرضیة و البتول
 و معنی البتول المنقطعة عن الریا الی الله تعالی و قال فی القاسم من البتول فاطمة بنت
 سید المرسلین لانتقطاعها عن سائر النساء و نسائه فضلاً و دنیا حسیباً و نسبا و قال

بویا ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است

در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است

در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است
 در این روز که در آن ایام است و در این روز که در آن ایام است

Handwritten marginal text at the top of the page, likely containing supplementary information or commentary on the main text.

فضائل و کمالات و مناقب و حسنات آن بضمه سید کائنات لا تعد ولا تحصى است لیکن
تجلیلی از اقل اکثر گفت از انجمله مشکات شریف از حضرت عائشه روایت میکند
گفت عائشه ندیدم هیچکس را که باشد مانند تربت و دهری برسوختن اصله اش علیه و آله
از فاطمه زهرا صلوات الله علیها و علیها و آلها و ابناها و عساکر از حدیقه روایت کرده که فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله احب الی فی فاطمه الزهراء از انجمله آنست که روزی پیغمبر
صلعم با علی و فاطمه بیاسطت میفرمود و دهر دور اطفی می نمود علی گفت یا رسول الله
او دوست ترست تو از من یا من از وی حضرت فرمود وی دوست ترست
بسوی من از تو و تو عزیزتری بر من از وی بذاتی الصواعق و غیره و از انجمله آنست
که فرمود آنانی ملک قلم علی نزل من السماء و لم نزل قبلها فبشرنی ان الحسن و الحسین
سیدان شباب اهل الجنة و ان فاطمه سیده نساء اهل الجنة و از انجمله آنست
که از عائشه صدیقه پرسیدند از زنان که دوست تر بود به رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت فاطمه گفتند از مردان که گفت شوهر او و از انجمله آنست
پیوسته از عائشه صدیقه و ام سلمه و غیره به روایت سلم و ترنوی و غیره
که گفتند بیرون رفت پیغمبر بود بروی کسانی از صوت حسن بن علی صلوات الله
علی نبیا و علیه و آله پیش آمد آن حضرت در زیر کساده آورد او را بعد از آن حسین بن
علی صلوات الله علی نبیا و علیه و آله او را نیز در آورد او را نگاهبان فاطمه و علی
آمدند ایشان را نیز در آن کساده آورد پس این آیه را خواندند پیرا نشدند

Handwritten marginal text on the right side, written vertically, continuing the commentary or providing additional details.

Handwritten marginal text at the bottom right, likely concluding the commentary or providing a final note.

Handwritten marginal text at the bottom of the page, possibly a summary or a separate section of text.

ليد زيب عنكم الرحيم اهل البيت يطيركم تطهير اذ عن ان رسول الله كان يربو باب
 فاطمة اذا خرج الى الصلوة حين نزلت هذه الآية قريبا من سبعة اشهر يقول الصلوة
 اهل البيت انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهير الاخرجة الترمذي
 وفي عين المعاني في هذا الحديث دخل رسول الله صلى الله عليه وآله تحت الكسار
 فنزل جبرئيل عليه السلام بالآية ودخل تحت الكسار تبركا وعن ابي طيبة عن اسمعيل
 بن عبد الله بن جعفر الطيار عن ابيه عن عبد الله انه قال لما نظر رسول الله
 صلى الله عليه وآله الى ان الرحمة بابطه من السماء قال صلعم دعوني فترين
 فقال زبيب انما يا رسول الله قال ادعى لي عليا وفاطمة وحسن والحسين صلوات الله
 علي نبيا وعليهم فجعل حسنا عن نبياه وحسنا عن سيرة علي وفاطمة وجابه ثم ختم
 اساره ثم قال صلى الله عليه وآله وسلم اللهم كل من اهل في رواية هولاء اهل
 واهل بيتي حق اني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي لمن تصلوا استمسكتم بها ثم قال
 في كشف المشيبى فانزل الله تعالى انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت الالية
 واذ اجملة است كسعد بن ابي وقاص وايت كروه قال لما نزلت هذه الآية
 يدع ابنه انا وابتاركم ونازارنا ونازاركم الآية وعار رسول الله عليا وفاطمة وحسنا وحسنا
 فقال اللهم هولاء اهل واذ اجملة است كحضرت زهرا كي از انها است
 كه در شان ایشان لا استلمكم عليه اجر الا المودة في القرني نازل كشت
 وكي از انها است كه در شان ایشان سورة هل اني فرود آره ورسول خدا

در حدیثی که در این باب آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که من را در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید

در حدیثی که در این باب آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که من را در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید

در حدیثی که در این باب آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که من را در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید

در حدیثی که در این باب آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که من را در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید و مرا در خانه خود نگاه کنید

عصیان و شایسته نقصان با ایمان خواهد بود مولوی جامی در سلسله الذهب آورده

عصیان و شایسته نقصان با ایمان خواهد بود مولوی جامی در سلسله الذهب آورده

آیات

<p>معنی را تمسایر پیداشد که خدا را از کوشش و حسد و فساد نیست پوشیده بر ذوی الانعام چون بود در حسد و کینه و عصیان پس همه این بیت مغفورا اند از گنجه چون برست ذمه شان تو موافق شوی با آن زبان اهل بیت طهارتند اینها این خیر هیچ مشرع و ایمانند</p>	<p>آن بود پیش عارت آگاه هست تطهیر اهل بیت مراد که بود در حسد بدترین آلهام نیست تطهیر آن بجز عفرین فله عقوبات آخرت دور اند نتوان بجز این امت نشان که ترا یافت بر زبان جریان نور چشم بصارتند اینها گوهر در ج صدق حسانتند</p>
--	--

از جمله آنست که ملاک برای کار و خدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله از جناب
 رب العزت مقرر بود و عند الحیجت حاضر می شدند چنانچه حدیث طبرانی در
 خانه آن برگزیده خدا که ابی ذر غفاری دیده است می گوید که در فضایل علی
 مرتضی صلوٰة الله علی نبی و آله و صحبه اجمعین و آن حضرت صلعم فرمود ای اهل شهر
 لا تکتبه سیامین فی الارض قده کلوا اللحوتة آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم فما کله
 فی الصواعق و غیره و از جمله آنست که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که او را

عصیان و شایسته نقصان با ایمان خواهد بود مولوی جامی در سلسله الذهب آورده

عصیان و شایسته نقصان با ایمان خواهد بود مولوی جامی در سلسله الذهب آورده

کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی و کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی و کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی

که سیده نسا عالمین است و از اکثر احادیث علی سبیل العموم مستفاد میشود که فاطمه زهرا
 صلوٰة الله علی نبیها وعلیها از جمیع نسا عالم افضل است حتی مریم مادر عیسی و
 خدیجه کبری و عایقه صدیقیه چنانچه در مشکوٰة از حدیثی روایت است که آن حضرت
 فرمود ای خدیجه این فرشته است که پیش ازین بر زمین فرود نیامده و ستوری
 خواست از خدا تا نزد من بیاید و بر من سلام کند و مژده رساند که فاطمه سیده
 نسا رشت است و از ابی داؤد که روایت است که بر سینه رسول خدا
 صلی الله علیه و آله گفته است فاطمه گوشت پاره از من است پس برابر منی کنم
 من گوشت پاره رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ کس را نهد اما قال طاحسی
 فی شرح مشکوٰة و مختار امام سبکی همین است و از آنچه آنست که رسول خدا صلی الله
 علیه و آله خبر داد او را که نو من در یک مقام خواهم بود و به روز قیامت
 فی الصواعق و فی ازاله التخاصم ابی سعد الخدزی ان ابی بنی صلی الله علیه و آله
 فر علی علی و فاطمه صلوٰة الله علی نبیها وعلیها فقال انی دایاک و هذا التایم یعنی
 علیا وها یعنی الحسن و الحسین یعنی مکان و احد یوم القیمة و طاعلی قاری از علی
 مرتضی صلوٰة الله علی نبیها وعلیه روایت کرده و شیخ عبدالحق دهلوی فی ذکر
 راوی آورده که سرور انبیا فاطمه زهرا خطاب کرد و فرمود من و تو و علی
 و حسین در یک مقام خواهیم بود و از آنچه آنست که در شان و کوز و وح و می
 و پسران وی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود من جنگ کننده ام با کسی که جنگ کند

کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی و کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی و کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی

کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی و کتب معتبره در حدیث و تفسیر و فقه و کلام و تاریخ و جغرافیه و طب و صنایع و ادب و لغت و نحو و صرف و معانی

Handwritten marginal notes at the top of the page, including the phrase "وَأَسْلَمَ مَعَهُ لَوْلَا رَأَى سَاءَ مَا كَانُوا عَمَلِينَ" and other religious text.

كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فاني اخشى ان تركت شيئا من امره ان اذبح
 فاما صدقة بالمدنية فدفعها عمر الى علي وعباس واما خيبر فذك فاسكها عمر وقال
 صدقة رسول الله صلى الله عليه وآله كانت لحقوة التي تعرفه ونواييه وامرنا
 الى من الامر قال فما علي ذلك الى اليوم وعن عقیل بن ابی شهاب في غزوة
 خيبر عن غزوة عن عائشة ان فاطمة بنت النبي صلى الله عليه وآله ارسلت الى ابي بكر
 تسله ميراثا من رسول الله مما افاء الله عليه بالمدنية وفدك وما بقي من خمس خيبر
 فقال ابو بكر ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال لا نورث ما تركناه صدقة انما
 ياكل آل محمد من هذا المال واني والله لا اغير شيئا من صدقة رسول الله من حالها
 التي كانت عليها في عهد رسول الله صلى الله عليه وآله ولا علمن فيها بما عمل رسول
 الله صلى الله عليه وآله فاني ابو بكر ان يرفع الى فاطمة منها شيئا فوجدت فاطمة على
 ابني بكرني ذلك فجزته فلم تكلمه حتى توفيت وعاشت بعد النبي صلى الله عليه وآله تسعة اشهر فلما
 توفيت ونهار زوجها علي ليلا ولم يوزن لها ابا بكر وصلى عليها وكان لعلي من الناس وجه
 حياة فاطمة فلما توفيت استنكر علي وجه الناس فالتمس مصالحة ابي بكر ومبايعته ولم
 يكن يبيع تلك الا اشرفا رسل الى ابني بكر ان اتينا ولا ياتينا احد معك كراهته لخصم
 عمر فقال لا والله لا تدخل عليهم احدك فقال ابو بكر ولا عسى ان يفعلوه بي والله
 لا يتهم فدخل عليهم ابو بكر فاستنكر علي فقال انما قد فتننا فلك وما اعطاك الله ولم
 تنفس عليك خيرا ساقه اية اليك ولكنك استبددت علينا بالامر وكنا نرى

Handwritten marginal notes on the right side of the page, including the phrase "وَأَسْلَمَ مَعَهُ لَوْلَا رَأَى سَاءَ مَا كَانُوا عَمَلِينَ" and other religious text.

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, including the phrase "وَأَسْلَمَ مَعَهُ لَوْلَا رَأَى سَاءَ مَا كَانُوا عَمَلِينَ" and other religious text.

در این کتاب از فضائل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و از احوال و مناقب آن بزرگوار و از فضائل آن بزرگوار در این کتاب مذکور است و در این کتاب از فضائل آن بزرگوار و از احوال و مناقب آن بزرگوار در این کتاب مذکور است و در این کتاب از فضائل آن بزرگوار و از احوال و مناقب آن بزرگوار در این کتاب مذکور است

عائمه قال لا ابرج مكناني حتى تبرئني مني بنت رسول الله صلعم فدخل عليها على السلام
فأقسم عليها رضي فمضيت منه أخرج ابن السمان في المواقف وفي مارج النبوة صاحب
رياض نضره اعتذار حضرت ابو بكر صدیق و در منی شدن حضرت فاطمه زهرا صلوات
الله علی نبیها وعلیه نقل کرده آورده اند که گفت بیرون آمد ابو بكر و ایستاد بر و حضرت
فاطمه علیها السلام در روز گرم و گفت بیرون از اینجا تا مرا منی نگرود از من ختر رسوخدا
صلی الله علیه و آله پس آمد نزد فاطمه علی رقتی و سوگند داد و فاطمه که راضی شود پس راضی شد
بهذا فی مارج النبوة و فی البخاری و المسلم و فی المشكاة عن المسورة بن محرمه ان
رسول الله صلی الله علیه و آله قال فاطمة بضعة منی فمن اغضبها فقد اغضبنی و فی روايته
برینی ما از انها و یوزی ما اذا ما استفق علیه فی مارج النبوة نیز در حدیث
آمده ان الله یغضب لغضب فاطمة و یرضی برضاها و بصحة پیوسته گفته اند صلی الله
علیه و آله فرمود فاطمه بضعة منی من اذا ما فقدت ذانی و من الغضبها فقد اغضبنی اصح
اخرج سعدنی شرف النبوة دابن المتی انه صلعم قال یا فاطمة ان الله یغضبک منی
برضاک فمن افی احد من ولد ما فقد تعرض لهذا الخطر العظیم لانه غضبها و من جهم
فقد تعرض لرضاها به و در صحیح بخاری و مسلم از مسور بن محرز روایت میکنند که رسوخدا
صلعم فرمود فاطمه گوشت پاره است از من پس کسیکه در خشم آمد او را در خشم می آرد
مرا و در روایتی فرمود بوی آید و ناخوش میگردد اند مرا آنچه بدی آید و ناخوش
میگردد اند فاطمه او ایذا میرساند مرا آنچه مودیت او را مناقب فضائل اهل بیت

در این کتاب از فضائل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و از احوال و مناقب آن بزرگوار و از فضائل آن بزرگوار در این کتاب مذکور است و در این کتاب از فضائل آن بزرگوار و از احوال و مناقب آن بزرگوار در این کتاب مذکور است و در این کتاب از فضائل آن بزرگوار و از احوال و مناقب آن بزرگوار در این کتاب مذکور است

در این کتاب از فضائل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و از احوال و مناقب آن بزرگوار و از فضائل آن بزرگوار در این کتاب مذکور است و در این کتاب از فضائل آن بزرگوار و از احوال و مناقب آن بزرگوار در این کتاب مذکور است و در این کتاب از فضائل آن بزرگوار و از احوال و مناقب آن بزرگوار در این کتاب مذکور است

بیشمار است و دو قسم است یکی کل عنوان اهل بیت و دیگر مفصل مخصوص فاطمه و علی
 و حسن و حسین علیهم السلام و چون مقصود در اینجا ذکر فاطمه زهرا است اقتصار بر این نموده
فصل در بیان تزویج حضرت فاطمه زهرا با علی مرتضی
صلوات الله علی نبینا وعلیهما

بدانکه تزویج او بامر خدا بود عن جابر ان الله تعالی امرنی ان از قح فاطمة
 من علی بن امانی تبویب الجامع لصغیر السیوطی و ایضاً فی الصواعق و اخرج السنائی
 فی خصائص علی عن عبد الله بن بریدة عن ابیة قال قال خطب ابو بکر و عمر فاطمة علیهما السلام
 فقال رسول الله انما صغیرة فخطبها علی علیه السلام فزوجها منه و در سال و دویم
 هجرت در شهر رمضان تزویج کرد و بنا کرد و در ذی الحجه و بعضی گفته اند تزویج
 کرد در حبیبی گفته اند و در صفر و بعضی بعد غزوه احد که ذاتی جامع الاصول
 و بود زهرا در وقت تزویج ثنا کرده ساله و بعضی میبده ساله گفته اند و بعضی
 پانزده ساله و بعدی است و یکسال و پنج ماه و در داینامه که خواستگاری کرد فاطمه ابو بکر
 پس تغلل کرد آنحضرت و گفت من انتظار وحی دارم در تزویج وی پس نیز
 خواستگاری کرد عمر او را و همین جواب یافت از رسولی اصلی الله علیه و در
 مشکاة آورده چون خطبه کردند فاطمه ابو بکر و عمر آنحضرت فرمود که او صغیره
 پس تر گفت علی و ام المین و در رفته الاجاب گفته گفتند بوی اهل و خوا
 اد که تو مرد و نزد آنحضرت و خواستگاری کن دختر او را گفت علی شرم دارم من

بیشمار است و دو قسم است یکی کل عنوان اهل بیت و دیگر مفصل مخصوص فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام و چون مقصود در اینجا ذکر فاطمه زهرا است اقتصار بر این نموده
 فصل در بیان تزویج حضرت فاطمه زهرا با علی مرتضی صلوات الله علی نبینا وعلیهما
 بدانکه تزویج او بامر خدا بود عن جابر ان الله تعالی امرنی ان از قح فاطمة من علی بن امانی تبویب الجامع لصغیر السیوطی و ایضاً فی الصواعق و اخرج السنائی فی خصائص علی عن عبد الله بن بریدة عن ابیة قال قال خطب ابو بکر و عمر فاطمة علیهما السلام فقال رسول الله انما صغیرة فخطبها علی علیه السلام فزوجها منه و در سال و دویم هجرت در شهر رمضان تزویج کرد و بنا کرد و در ذی الحجه و بعضی گفته اند تزویج کرد در حبیبی گفته اند و در صفر و بعضی بعد غزوه احد که ذاتی جامع الاصول و بود زهرا در وقت تزویج ثنا کرده ساله و بعضی میبده ساله گفته اند و بعضی پانزده ساله و بعدی است و یکسال و پنج ماه و در داینامه که خواستگاری کرد فاطمه ابو بکر پس تغلل کرد آنحضرت و گفت من انتظار وحی دارم در تزویج وی پس نیز خواستگاری کرد عمر او را و همین جواب یافت از رسولی اصلی الله علیه و در مشکاة آورده چون خطبه کردند فاطمه ابو بکر و عمر آنحضرت فرمود که او صغیره پس تر گفت علی و ام المین و در رفته الاجاب گفته گفتند بوی اهل و خوا اد که تو مرد و نزد آنحضرت و خواستگاری کن دختر او را گفت علی شرم دارم من

و ایضا در روایتی دیگر آمده است که حضرت زینب کبری را در روزی که در مدینه بود از کعبه بیرون بردند و در آنجا حبس کردند و در آنجا بود که او را از آب حیات آبی دادند و او را از آن آب شربت نوشانیدند و او را از آن آب شربت نوشانیدند و او را از آن آب شربت نوشانیدند

اورا و ذریت او را از شیطان رحیم بازگفت آنحضرت بیارید آب را گفت علی دستم
من اینچنین میجوید آنحضرت پس برخواستم و کاسه را با آب پر کردم و آوردم پس گرفت
آنحضرت آنرا و بنیدخت آب دهمن خود را در روی او گفت مرا پیش آئی پس پیش
رفتم پس انداخت آب را بر سر روی من و گفت اللهم انی اعینده بک
و ذریته من الشیطان الرحیم پس گفت درائی با بل خود بسم الله و البرکت و در بعضی
روایات آمده که آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله روز فکاح فاطمه با علی بعد از نماز
عشا بسوی خانه ایشان پس برداشت نظرنی از آب و انداخت آب دهمن
مبارک خود را در روی او خواند معوذتین را و دعا کرد و امر کرد علی را که بیاشام
آن آب را و وضو سازد و بعد از آن امر کرد فاطمه را که بیاشام آن آب و وضو
سازد از آن پس گفت خداوند این هر دو از من اند و من از ایشانم خداوند
چنانکه دور کردی زمین پیدی را و پاک ساختی مرا پاک گردان این هر دو را پس
گفت ایشان را بروید بسوی خوابگاه خود و گفت خداوند این هر دو را پس گفت
ده میان ایشان و برکت ده در ایشان و ذریت ایشان و فرما هم بر ایشان
از ایشان ذریت بسیار پاک در روایت کرده است خطیب زابن عباس که چون
تزوج کرد رسول خدا فاطمه را با علی گریه گرفت فاطمه را پس گفت آنحضرت چه خبر گریه کنید
ترای دخترک من گفت یا رسول الله ترویح کردی تو مرا با مردی که نیست او را
مال و نه چیزی پس گفت اماراضی نیستی تو که خداستعالی برگزیده از زمین و مرد

و ایضا در روایتی دیگر آمده است که حضرت زینب کبری را در روزی که در مدینه بود از کعبه بیرون بردند و در آنجا حبس کردند و در آنجا بود که او را از آب حیات آبی دادند و او را از آن آب شربت نوشانیدند و او را از آن آب شربت نوشانیدند و او را از آن آب شربت نوشانیدند

و ایضا در روایتی دیگر آمده است که حضرت زینب کبری را در روزی که در مدینه بود از کعبه بیرون بردند و در آنجا حبس کردند و در آنجا بود که او را از آب حیات آبی دادند و او را از آن آب شربت نوشانیدند و او را از آن آب شربت نوشانیدند و او را از آن آب شربت نوشانیدند

له یکی از ان دو مرد پرست و دیگر سے شوهر تو و در روایت حاکم از ابی
 هریره آمده که گفت آیا راضی نیستی تو که تزویج کردم ترا با اولین مسلمانان از
 روی اسلام و ذاترین ایشان از روی علم و تو بهترین نساء امت منی چنانکه
 مردم در قوم خود و در روایت طبرانی آمده تزویج کردم ترا با نیکبختی در
 دنیا و در آخرت از صالحان هست و منقولست که آنحضرت از علی پرسید که
 هیچ چیز در دست داری علی صلوات الله علی نبینا وعلیه گفت اسپه و زر هست
 دارم فرمود اسپ ترا ضرورت است لیکن زره را بفروش و بهائی آنرا پیش
 من بیار پس آنرا چهار صد و هشتاد درهم فروخت و نزد حضرت صلعم آورد حضرت
 مشتق آنرا بگرفت و به بلال داد تا در بوی خوش صرت کند و بقیه بام سلمه
 سپرد که در جاز فاطمه صرت کند و کار سازی داد و کند و متاع خانه و اثاث البیت
 بخرد پس دو جامه برود و نالی از کتان و چار بالش و دو با بند و نقره و قطیفه
 و تکیه و قدحی و آشنائی و سبوی و مشک و مشربیه و امثال آن خرید و در مواهب تبت
 گوید که ولیمه کرد علی بر فاطمه صلوات الله علی نبینا علیها و نبود هیچ ولیمه در آن
 زمین بیشتر از ولیمه وی گرد نهاد و زره خود را نزد وی نمودی بصف پیمان شعیر بود
 و ولیمه وی چند صاع شعیر و تمر و حلیم و آن طعامی است که از تمر و سمن و فرو بهم آمیخت
 می شود روایت کرد آنرا احمد در مناقب هزارماتی در ارج البتوة و قال اشبح
 الامام الاعمال بود و عمر بن عبد الرحمن العمادانی رحمه الله علیه بسیارات الجلساء صحیح
 یوم

در روایت ابی هریره از آن دو مرد پرست و دیگر سے شوهر تو و در روایت حاکم از ابی هریره آمده که گفت آیا راضی نیستی تو که تزویج کردم ترا با اولین مسلمانان از روی اسلام و ذاترین ایشان از روی علم و تو بهترین نساء امت منی چنانکه مردم در قوم خود و در روایت طبرانی آمده تزویج کردم ترا با نیکبختی در دنیا و در آخرت از صالحان هست و منقولست که آنحضرت از علی پرسید که هیچ چیز در دست داری علی صلوات الله علی نبینا وعلیه گفت اسپه و زر هست دارم فرمود اسپ ترا ضرورت است لیکن زره را بفروش و بهائی آنرا پیش من بیار پس آنرا چهار صد و هشتاد درهم فروخت و نزد حضرت صلعم آورد حضرت مشتق آنرا بگرفت و به بلال داد تا در بوی خوش صرت کند و بقیه بام سلمه سپرد که در جاز فاطمه صرت کند و کار سازی داد و کند و متاع خانه و اثاث البیت بخرد پس دو جامه برود و نالی از کتان و چار بالش و دو با بند و نقره و قطیفه و تکیه و قدحی و آشنائی و سبوی و مشک و مشربیه و امثال آن خرید و در مواهب تبت گوید که ولیمه کرد علی بر فاطمه صلوات الله علی نبینا علیها و نبود هیچ ولیمه در آن زمین بیشتر از ولیمه وی گرد نهاد و زره خود را نزد وی نمودی بصف پیمان شعیر بود و ولیمه وی چند صاع شعیر و تمر و حلیم و آن طعامی است که از تمر و سمن و فرو بهم آمیخت می شود روایت کرد آنرا احمد در مناقب هزارماتی در ارج البتوة و قال اشبح الامام الاعمال بود و عمر بن عبد الرحمن العمادانی رحمه الله علیه بسیارات الجلساء صحیح یوم

در روایت ابی هریره از آن دو مرد پرست و دیگر سے شوهر تو و در روایت حاکم از ابی هریره آمده که گفت آیا راضی نیستی تو که تزویج کردم ترا با اولین مسلمانان از روی اسلام و ذاترین ایشان از روی علم و تو بهترین نساء امت منی چنانکه مردم در قوم خود و در روایت طبرانی آمده تزویج کردم ترا با نیکبختی در دنیا و در آخرت از صالحان هست و منقولست که آنحضرت از علی پرسید که هیچ چیز در دست داری علی صلوات الله علی نبینا وعلیه گفت اسپه و زر هست دارم فرمود اسپ ترا ضرورت است لیکن زره را بفروش و بهائی آنرا پیش من بیار پس آنرا چهار صد و هشتاد درهم فروخت و نزد حضرت صلعم آورد حضرت مشتق آنرا بگرفت و به بلال داد تا در بوی خوش صرت کند و بقیه بام سلمه سپرد که در جاز فاطمه صرت کند و کار سازی داد و کند و متاع خانه و اثاث البیت بخرد پس دو جامه برود و نالی از کتان و چار بالش و دو با بند و نقره و قطیفه و تکیه و قدحی و آشنائی و سبوی و مشک و مشربیه و امثال آن خرید و در مواهب تبت گوید که ولیمه کرد علی بر فاطمه صلوات الله علی نبینا علیها و نبود هیچ ولیمه در آن زمین بیشتر از ولیمه وی گرد نهاد و زره خود را نزد وی نمودی بصف پیمان شعیر بود و ولیمه وی چند صاع شعیر و تمر و حلیم و آن طعامی است که از تمر و سمن و فرو بهم آمیخت می شود روایت کرد آنرا احمد در مناقب هزارماتی در ارج البتوة و قال اشبح الامام الاعمال بود و عمر بن عبد الرحمن العمادانی رحمه الله علیه بسیارات الجلساء صحیح یوم

قلم بلغت فاطمه مبلغ السار كان رسول الله لفتيم لا جملها ويقول لست ليا والدة
 يرميها ومنسئ اسباب تزويجها فتمتل جبرئيل وقال الجبار يقربك السلام ويقول
 يا محمد لا نعتم في امر تزويجها فاننا احب الي منك قعود امر تزويجها منك الى فاني ازوجها
 ممن احب سجد رسول الله سجدة الشكر ثم رجع جبرئيل فلما كان يوم الجمعة جاز جبرئيل
 الى رسول الله وبيده طبق وميكائيل واسرافيل وعزرائيل عليهم السلام بيد كل واحد
 منهم طبق مغلي بمبديل وعند كل واحد منهم الف ملك ووضعوا الاطباق بين يدي
 رسول الله فقال يا جبرئيل قال فان الله يقول اني زوجت فاطمه من علي بن ابي طالب
 صلوات الله على نبينا وعليه وهذا الثواب الجنان واثارها ليس عليها العصاب وانثر
 عليها الثمار سجد رسول الله ثم رفع راسه فقال يا جبرئيل فاطمه ترضاها بما يرضى والى
 احب منك هذه الهدايا والعطايات في دار البقا والاني دار الفناء ولكن يا جبرئيل
 اخبرني كيف كان تزويج فاطمة في السماء قال جبرئيل يا محمد ان الله تعالى امرنا بان
 نفتح ابواب الجنان وتعلق ابواب النيران فعلقتم ثم زين العرش والكرسي وشجرة طونى
 وسدره المننتى ثم امر الله تعالى الالوان والعلمان بان يصبوا في كل قصرة خيم
 وكل غرقة اى حبله ويجلسوا الوليمه عن فاطمه وامر ملائكة السموات المقرئين والجن
 بان يجمعوا تحت شجرة طونى ثم ارسل الله تعالى الريح المشرقية في الجنان فاسقطت
 اشجارها الكافور والمشك والعبثر على الملائكة ثم امر الله تعالى طيور الجنة بان تعنى
 فرقت الحواريين ونشرت الاشجار الحللى والجواهر العظيمة وحنبت الالوان والعلمان

الجبار يقربك السلام ويقول
 يا محمد لا نعتم في امر تزويجها فاننا احب الي منك قعود امر تزويجها منك الى فاني ازوجها
 ممن احب سجد رسول الله سجدة الشكر ثم رجع جبرئيل فلما كان يوم الجمعة جاز جبرئيل
 الى رسول الله وبيده طبق وميكائيل واسرافيل وعزرائيل عليهم السلام بيد كل واحد
 منهم طبق مغلي بمبديل وعند كل واحد منهم الف ملك ووضعوا الاطباق بين يدي
 رسول الله فقال يا جبرئيل قال فان الله يقول اني زوجت فاطمه من علي بن ابي طالب
 صلوات الله على نبينا وعليه وهذا الثواب الجنان واثارها ليس عليها العصاب وانثر
 عليها الثمار سجد رسول الله ثم رفع راسه فقال يا جبرئيل فاطمه ترضاها بما يرضى والى
 احب منك هذه الهدايا والعطايات في دار البقا والاني دار الفناء ولكن يا جبرئيل
 اخبرني كيف كان تزويج فاطمة في السماء قال جبرئيل يا محمد ان الله تعالى امرنا بان
 نفتح ابواب الجنان وتعلق ابواب النيران فعلقتم ثم زين العرش والكرسي وشجرة طونى
 وسدره المننتى ثم امر الله تعالى الالوان والعلمان بان يصبوا في كل قصرة خيم
 وكل غرقة اى حبله ويجلسوا الوليمه عن فاطمه وامر ملائكة السموات المقرئين والجن
 بان يجمعوا تحت شجرة طونى ثم ارسل الله تعالى الريح المشرقية في الجنان فاسقطت
 اشجارها الكافور والمشك والعبثر على الملائكة ثم امر الله تعالى طيور الجنة بان تعنى
 فرقت الحواريين ونشرت الاشجار الحللى والجواهر العظيمة وحنبت الالوان والعلمان

٢٨

قلم بلغت فاطمه مبلغ السار كان رسول الله لفتيم لا جملها ويقول لست ليا والدة
 يرميها ومنسئ اسباب تزويجها فتمتل جبرئيل وقال الجبار يقربك السلام ويقول
 يا محمد لا نعتم في امر تزويجها فاننا احب الي منك قعود امر تزويجها منك الى فاني ازوجها
 ممن احب سجد رسول الله سجدة الشكر ثم رجع جبرئيل فلما كان يوم الجمعة جاز جبرئيل
 الى رسول الله وبيده طبق وميكائيل واسرافيل وعزرائيل عليهم السلام بيد كل واحد
 منهم طبق مغلي بمبديل وعند كل واحد منهم الف ملك ووضعوا الاطباق بين يدي
 رسول الله فقال يا جبرئيل قال فان الله يقول اني زوجت فاطمه من علي بن ابي طالب
 صلوات الله على نبينا وعليه وهذا الثواب الجنان واثارها ليس عليها العصاب وانثر
 عليها الثمار سجد رسول الله ثم رفع راسه فقال يا جبرئيل فاطمه ترضاها بما يرضى والى
 احب منك هذه الهدايا والعطايات في دار البقا والاني دار الفناء ولكن يا جبرئيل
 اخبرني كيف كان تزويج فاطمة في السماء قال جبرئيل يا محمد ان الله تعالى امرنا بان
 نفتح ابواب الجنان وتعلق ابواب النيران فعلقتم ثم زين العرش والكرسي وشجرة طونى
 وسدره المننتى ثم امر الله تعالى الالوان والعلمان بان يصبوا في كل قصرة خيم
 وكل غرقة اى حبله ويجلسوا الوليمه عن فاطمه وامر ملائكة السموات المقرئين والجن
 بان يجمعوا تحت شجرة طونى ثم ارسل الله تعالى الريح المشرقية في الجنان فاسقطت
 اشجارها الكافور والمشك والعبثر على الملائكة ثم امر الله تعالى طيور الجنة بان تعنى
 فرقت الحواريين ونشرت الاشجار الحللى والجواهر العظيمة وحنبت الالوان والعلمان

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
 اشهد ان محمدا عبده ورسوله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله

تم تاوى الخليل جل جلاله واتى على نفسه وقال انى زوجت سيدة نساء العالمين فاطمة من
 على بن ابي طالب صلوات الله على نبينا وعليه قال يا جبرئيل كنت خليفة على وانا خليفة
 رسولى محمد فزوجها اليه وقبلها من على فمذا عقد نكاح فاطمة فى السماء فاعقدت با
 محمد فى الارض فاخبر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فاطمة وجميع اصحابه فى المسجد فنزل
 جبرئيل وقال انا الله تعالى امر عليا بان يقرأ الخطبة بنفسه فقرأ خطبة الحمد لله
 المتوحد بالجلال المتقرب بالكمال خالق برتبة يحسن صنعته خليفة الذى ليس
 كمثل شئ ولا يكون كمثل الا هو خلق العباد فى البلاد فالهمم بالثناء فستجو بحمده وقد سو
 وهو الله الذى لا اله الا هو امر عباده بالنكاح فاجابوه والحمد لله على نعمائه يا اية
 اشهد ان لا اله الا الله شهادة تبلغه وترغميه وتبغى قابلهما وتقيه يوم يفر المر
 من اخيه واته وابه وصاحبه ونبيه وصلى الله على محمد النبى الذى اجاباه بوجهه وتغيبه
 صلوة تبلغه الرفيعة وتخطيه ورحمة الله على الة واصحابه ومحبته والنكاح مناقضه الله
 تعالى واذن فيه واني عبده وابن عبده واين امته الراغب الى الله والناطب
 خير نساء العالمين وقد رت لها من الصداق اربع مائة درهم عاجلته غير اصله
 فهل زوجتها يا ايتها الرسل النبى الامى على سنته من مفضى من المسلمين وقال النبى
 قد زوجت فاطمة منك يا على وزوجك ورضيتك واثمارك قال على قبلتها
 من الله ومنك يا رسول الله صلى الله عليه وآله فلما سمعت فاطمة بان اباها زوجها
 وجعل الدرهم ميرا قالت يا ابنتى ان نبات سائر الناس تزوج من على الدرهم

والثلاثة عشر
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله

اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله

اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله
 اشهد ان عليا نبي الله وولي الله

اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ

والذنایر و زوجتی علی الدرہم والذنایر فما الفرق بین نیک و بین سائر الناس
 فاسأل اللہ تعالیٰ ان يجعل مری شفاعتہ حصاة اتمک منزل جبرئیل من ساعتہ و سیدہ
 صریحہ و فیہ مکتوب جعل اللہ مر فاطمۃ الزہرا بنت محمد المصطفیٰ صلی اللہ علیہ و آلہ
 شفاعتہ امتہ العاصین فاصمت فاطمۃ وقت خروجہا من الدنیا بان جعل ذلک
 الحریر فی کفہا و قالت اذا حثرت یوم القیامتہ ارفع ہذا الحریر و اشفع عصابہ
 البنی انتہی کلامہ فی الصواعق اخرج ابو بکر الخوارزمی نہ صلح خرج علیہم و وجہ
 مشرق کدایرة القمر فسألہ عبد الرحمن بن عوف فقال بشارۃ بنتی من بی کفنی
 اخی و ابن عمی و انتہی بان اللہ تعالیٰ عزوجل زوج علیا من فاطمۃ و امر
 رضوان خازنان الجنان ہر شجرۃ طونی محکمہ رقا قابعنی صکاکا بعد و محبی اہل بیت
 و انشاء تحتہ ملائکتہ من نور و رفع الی کل ملک صکاکا فاذا استوت القیامتہ
 بالہا نادت الملائکتہ فی الخلائق فلا یبقی یحب لاہل البیت الا دفع الیہ صک فیہ
 نکاک من النار رضار ضعیف ابن عمی و بنتی نکاک رقاب رجال و نسا من امتی
 من النار و فی فضل الخطاب عن ابی بکر انہ قال لما تزوج ابی صلی اللہ علیہ و آلہ
 و سلم انبتہ فاطمۃ من علی قال صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم زیتوا حبیبی و قرۃ عینی فاطمۃ
 یحیی و قرۃ عینی فضل زیتکم و اکثر و الطیب و لا تنسوا الجوار عن فاطمۃ و نزولہ عنی تزوج
 وی در ماہ مبارک رمضان بعد مراجعت از بدر و نزولہ عنی بعد از واقعہ
 احد اخرج ابو عمر عن عید اللہ بن محمد بن سماک بن جعفر الهاشمی یقول انکح

اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ

اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ
 اور جوین کیا اسکا تھاری سر پر ہمانہ

رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 انا فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 أحمد وكان شيخا يوم تزوجها خمس عشرة سنة وخمسة عشر شهرا ونفقا دسن على يومئذ
 وعشرين سنة وخمسة أشهر وزفات كرد رذی المحجة ودعا كرد اسماء بنت عمیس را
 که در زفات حضرت زهرا حاضر بود و اخرج انسائی عن اسماء بنت عمیس قالت كنت في
 زفات فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فلما صعدوا علي فاضرب الباب
 ففتحت له ام امين فقالت لقال ذكان في لساننا لفته و سمعت النار صوت ابنی صلی الله
 علیه وآله وسلم فتحين قال اخته حبیب انانی حاجته فقالت فجار علی صلوات الله علی علیه
 الصلوة والسلام فدعا النبی صلی الله علیه وآله وسلم و نفع علی من المار ثم قال ادعونی
 فاطمة فجات علی السلام و علیها خرفة من الجمار فقال قد اطمعتک حسب اهل بیتی الی
 ودعا لها و نفع علیها من المار فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله فرای سوادا قال
 من ہر اقلت اسماء قال الله عمیس قلت نعم قال كنت فی زفات فاطمة بنت رسول الله صلى الله
 علیه وآله کر میا قلت نعم قالت فدعا علی ہذا ما فی از الله الخفاء و در شواہر النبوة است
 کہ اسماء بنت عمیس از فاطمة زہرا صلوات الله علی نبینا و علیہا روايت میکند کہ گفت
 در شبہ کہ علی بن ابیطالب صلوات الله علی نبینا و علیہ وآله با من زفات کرد و رسمیم
 زیرا کہ شنیدم کہ زمین باو می سخن میگفت با مراد آن را با رسول خدا صلی الله علیه وآله
 حکایت کردم رسول الله صلی الله علیه وآله سجده دراز کرد پس سر بر آورد و
 گفت ای فاطمة بشارت باو ترا بگیر کی نسل بدرسند خدا استعالی فضیلت نما و شوہرت

ان حضرت زهرا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 ان حضرت زهرا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 ان حضرت زهرا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 ان حضرت زهرا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 ان حضرت زهرا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 ان حضرت زهرا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب

بر سائر خلائق وزمین را فرمود که باو بگوید اخبار خود را آنچه بر روی زمین خواهد گذشت
از شرق تا مغرب انتمی کلامه و امامه آورده اند که این مزاجت با سعادت و شب
پنجشنبه بست و یکم ماه محرم از سال دویم هجرت بعضی گفته اند که در روز شنبه ماه ذی الحج
بود و بر وایت شیخ طوسی زفات آنحضرت به شانزده روز بعد از زفات رقیه
بوده است بعد رجوع از جنگ بدر و چند روز از ماه شوال گذشته بود و آنحضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که تزویج آنحضرت در راه رمضان
بود و زفات ذالحجه بود از سال دویم هجرت و رسول خدا صلی الله علیه و آله از
درهم بائی بهای زره امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه بنیاد علیه که
آمده بود و دو کف برگرفت و بانی بکرداد و فرمود و بازار برو و از برای فاطمه آنچه
در کار است از جامه و اثاث الهیت بیار و عمار بن یاسر و جمعی از صحابه را در پی او
فرستاد تا هگلی در بازار در آمدند پس هر یک ایشان چیزی را که اختیار نمودند
باو بگردانیدند و به مصلحت او بخردند پس پراهنی خرید به هفت درهم و مقننه چهار درهم
و قتیفه سیاه و کرسی و پرده ابریشم و حصیری و دست آسبائی و بادیه مسی و نظرنی
برای آب خوردن و کاسه چوپی از برای شیشک از برای آب مطهّر خوانده و سبک
سبز و کوزه های از سفال چون همه سباب را خریده حضرت ابو بکر بعضی را برداشت
و هر یک از صحابه را بعضی را برداشتند و بخدمت حضرت رسول شد آوردند
حضرت مسلم هر یک از آنها بدست می گرفت و ملاحظه می نمود و می فرمود خداوند

امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب

امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب
امیر کی والد ابو طلحہ بن ابی طالب اور امیر کی والدہ حضرت زینب بنت ابی طالب

اور خدا و مرتبین بری با او
 یک قول من عین حق و قول من
 از خدا و مرتبین بری با او
 یک قول من عین حق و قول من

بارگ گردان این را بر البیت رضی اللہ عنہم زما قالوا

فصل در بیان صبروی

بر مصائب مشققتا و تنگی معشیت و محنتهای که برای رضای خدا و رفع درجات عقبی درین
 دنیا کشیده و بر نفس نفیس خود گوارا ساخته اخرج ابوبکر عن صخره قال قضی رسول الله
 صلی الله علیه وآله علی ابنته فاطمه الخدمه فی البیت وقضی علی علی باکان خارجا من البیت
 و اخرج ابوبکر عن ابی التحیری قال قال علی لانه فاطمه بنت اسد الکفی فاطمه بنت رسول الله
 الخدمه خارجا شقایفه الماء و الحاجة و تکفینها العمل فی البیت العجین و الخبز و الطحن و اخرج
 احمد عن عطاء بن الشایب عن ابیہ عن علی ان رسول الله علیه وآله لما زوج فاطمه بیعت
 معها بجملہ و وسادۃ من ادریم حشو البیت و ریح و سفار و جرمین فقال لی بفاطمه
 ذات یوم واحد و الله لقد شنوت حتی قد شکت صدری قلل و قد جارا الله باک
 بسی فاذا همی فاستخدمیہ فقالت وانا و الله قد طمحت حتی فحلت یدی فایت البنی
 صلی الله علیه وآله فقال ماجاد بک اسی بنته قالت جئت لاسلم علیک فاستحیت ان
 نسالہ فرجبت فقال فقلت قالت رحمت ان اسالہ فاتباه جمیعاً فقال علی یا رسول الله
 و الله لقد شنوت حتی اشد شکب صدری و قالت فاطمه طمحت حتی محبت یدی اسی و قد
 جادک الله بسی و سعته فاخذنا فقال و الله لا اعطیکما و اذع اهل الصفة بطوی مطونم
 ما انفق علیهم لکن ابعیم و انفق علیهم اتمانم فانما ہما البنی صلی الله علیه وآله و قد دخلنا
 فی قطنقینا و اذا عطینا و سما کیشف اقداما و اذا عطینا اقداما کیشف روسما

ازنا منظور تکلیف این سبب حضرت
 که مال ہوا اور سبب تکلیف
 حضرت ابوبکر عن صخره
 قال قضی رسول الله
 صلی الله علیه وآله علی
 ابنته فاطمه الخدمه فی
 البیت وقضی علی علی
 باکان خارجا من البیت
 و اخرج ابوبکر عن ابی
 التحیری قال قال علی
 لانه فاطمه بنت اسد
 الکفی فاطمه بنت رسول
 الله الخدمه خارجا
 شقایفه الماء و الحاجة
 و تکفینها العمل فی
 البیت العجین و الخبز
 و الطحن و اخرج احمد
 عن عطاء بن الشایب
 عن ابیہ عن علی ان
 رسول الله علیه وآله
 لما زوج فاطمه بیعت
 معها بجملہ و وسادۃ
 من ادریم حشو البیت
 و ریح و سفار و جرمین
 فقال لی بفاطمه ذات
 یوم واحد و الله
 لقد شنوت حتی قد
 شکت صدری قلل و
 قد جارا الله باک بسی
 فاذا همی فاستخدمیہ
 فقالت وانا و الله
 قد طمحت حتی فحلت
 یدی فایت البنی صلی
 الله علیه وآله فقال
 ماجاد بک اسی بنته
 قالت جئت لاسلم
 علیک فاستحیت ان
 نسالہ فرجبت فقال
 فقلت قالت رحمت
 ان اسالہ فاتباه
 جمیعاً فقال علی
 یا رسول الله و الله
 لقد شنوت حتی اشد
 شکب صدری و
 قالت فاطمه طمحت
 حتی محبت یدی اسی
 و قد جادک الله
 بسی و سعته فاخذنا
 فقال و الله لا
 اعطیکما و اذع اهل
 الصفة بطوی مطونم
 ما انفق علیهم لکن
 ابعیم و انفق علیهم
 اتمانم فانما ہما
 البنی صلی الله علیه
 و آله و قد دخلنا
 فی قطنقینا و اذا
 عطینا و سما کیشف
 اقداما و اذا عطینا
 اقداما کیشف
 روسما

۲۲۳

اور مرتبین بری با او
 یک قول من عین حق و قول من
 از خدا و مرتبین بری با او
 یک قول من عین حق و قول من
 از خدا و مرتبین بری با او
 یک قول من عین حق و قول من

از خدا و مرتبین بری با او
 یک قول من عین حق و قول من
 از خدا و مرتبین بری با او
 یک قول من عین حق و قول من

اور سب طهارت اور عصمت کے اور سب پاکیزگی اور عفت اور
 اور سب پاکیزگی اور عفت کے اور سب پاکیزگی اور عفت اور
 اور سب پاکیزگی اور عفت کے اور سب پاکیزگی اور عفت اور

اسپ پائی گئی گذشت و تاب رشت اسپ میر سپد قرآن ختم می کرد پس او ای بن
 و در وجه قدر کار و دشت که ابن الکوا و از ان متعجب شد ایست

کار پاکان را قیاس از خود گیر	گر چه ماند در نوشتن سیر و شیر
اولیا اطفال حق اندای پسر	غابی و حاضری بس با خبر

و روزی آنحضرت صلعم نجانہ فاطمہ ہر اعلیٰہا السلام تشریف آوردند کہ جامہ
 سطر از چشم شتر پوشیدہ نشسته است آنحضرت آب در دیدہ گیرد ایند و گفت
 فاطمہ روز بیسخت و تنگی دنیا صبر نمائی تا فردای قیامت نعیم میشت ترا باشد
 منقولست کہ روزی آنحضرت دست مبارک خود بر سینہ فاطمہ زہرا علیہا السلام
 نهاد و دعا کرد کہ خداوند او را از گرسنگی امین گردان فاطمہ میفرماید از ان
 باز هرگز در خود رحمت گرسنگی نیافتم و از ابی ہریرہ آمدہ است کہ گفت سیر
 نشدند آل محمد از طعام سہ روز پیایے تا رفتند ازین عالم رواہ اشعنان
 و از ابن عباس آمدہ کہ میگردد را نید آنحضرت و اہل و عیال وی شہا پیایے
 کہ نمی یافتند طعام شب و نبود طعام ایشان مگر نان جو رواہ الترمذی و صحیح
 و در حدیث بخاری و مسلم آمدہ کہ سیر نشدند آل محمد از نان جو و روز پیانی
 و از حسن بصری آمدہ کہ خطبہ خواند آنحضرت و گفت بخدا سوگند شام نکردند
 آل محمد یک صبح را بطعامی و در روایت است کہ در خانہ حضرت زہرا
 پرده الاحریر بود آن حضرت تشریف آورد و آنرا گرفت و بنقر او آنحضرت

آنحضرت صلعم نجانہ فاطمہ ہر اعلیٰہا السلام تشریف آوردند کہ جامہ
 سطر از چشم شتر پوشیدہ نشسته است آنحضرت آب در دیدہ گیرد ایند و گفت
 فاطمہ روز بیسخت و تنگی دنیا صبر نمائی تا فردای قیامت نعیم میشت ترا باشد
 منقولست کہ روزی آنحضرت دست مبارک خود بر سینہ فاطمہ زہرا علیہا السلام
 نهاد و دعا کرد کہ خداوند او را از گرسنگی امین گردان فاطمہ میفرماید از ان
 باز هرگز در خود رحمت گرسنگی نیافتم و از ابی ہریرہ آمدہ است کہ گفت سیر
 نشدند آل محمد از طعام سہ روز پیایے تا رفتند ازین عالم رواہ اشعنان
 و از ابن عباس آمدہ کہ میگردد را نید آنحضرت و اہل و عیال وی شہا پیایے
 کہ نمی یافتند طعام شب و نبود طعام ایشان مگر نان جو رواہ الترمذی و صحیح
 و در حدیث بخاری و مسلم آمدہ کہ سیر نشدند آل محمد از نان جو و روز پیانی
 و از حسن بصری آمدہ کہ خطبہ خواند آنحضرت و گفت بخدا سوگند شام نکردند
 آل محمد یک صبح را بطعامی و در روایت است کہ در خانہ حضرت زہرا
 پرده الاحریر بود آن حضرت تشریف آورد و آنرا گرفت و بنقر او آنحضرت

اور سب پاکیزگی اور عفت کے اور سب پاکیزگی اور عفت اور
 اور سب پاکیزگی اور عفت کے اور سب پاکیزگی اور عفت اور
 اور سب پاکیزگی اور عفت کے اور سب پاکیزگی اور عفت اور